



حکیم قمشهای در بحث ولایت از ابن عربی انتقاد می‌کند

محقق فلسفه و عرفان اسلامی با بیان این‌که رکن اساسی تفکر آقامحمدرضا قمشهای بحث ولایت است، گفت: انصافاً وی رویاروی ابن عربی می‌ایستد و شاید او دومین عارف برجسته شیعه است که در بحث ختم ولایت بعد از سیدحیدر آملی علیه ابن عربی انتقاد کرده است.

محقق فلسفه و عرفان اسلامی با بیان این‌که رکن اساسی تفکر آقامحمدرضا قمشهای بحث ولایت است، گفت: انصافاً وی رویاروی ابن عربی می‌ایستد و شاید او دومین عارف برجسته شیعه است که در بحث ختم ولایت بعد از سیدحیدر آملی علیه ابن عربی انتقاد کرده است.

منوچهر صدوقی‌سها، محقق و مدرس فلسفه و عرفان اسلامی، در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، ضمن بیان این مطلب در مورد آقامحمدرضا قمشهای اظهار کرد: یک جهت مهم دیگر در احوال آقامحمدرضا قمشهای، شاعر بودن وی است.

وی افزود: جالب است بدانیم که نوع حکمای متأخر ایران در عرفان و فلسفه شاعر هستند. بعضی از آنان حتی دیوان هم دارند؛ آقامحمدرضا قمشهای هم دیوان دارد، مرحوم جلوه هم دیوان دارد و میرزاحمود قمی هم همچنین کتاب دیوان دارد، فکر می‌کنم بیشترین شعرش همانی باشد که در تحریرثانی تاریخ حکماء آمده است؛ بیش از این چیزی در دسترس نیست، غیر از این هر چه در سینه‌ها و کتاب‌ها بود، همین اینهاست.

نویسنده کتاب «؛تحریر ثانی تاریخ حکماء و عرفای متأخر» در ادامه سخنانش با اشاره به این‌که آقامحمدرضا قمشهای انصافاً غزل‌های ممتاز و برجسته‌ای هم دارد، اظهار کرد: سبک او عراقی است و بیشتر غزل می‌گفت، به خلاف میرزای جلوه که قصیده‌سراست و به سبک ترکستانی شعر می‌گفت. قصیده‌های ترکستانی او انصافاً در اوج است. ذره‌ای از مهر این جهان سد راه است/ رمزی از این دان حدیث عیسی و سوزن.

این محقق و مدرس فلسفه و عرفان اسلامی تصریح کرد: آقامحمدرضا قمشهای بیشتر غزل سروده است. ابیات خیلی خوبی دارد، همچنین تک‌بیت‌هایی وجود دارد که جالب است؛ ساغر ز خون ماست به اندازه نوش کن/ این جام باده نیست که لبریز می‌کنی، در بی‌خبری از تو صد مرحله من پیش‌ام/ تو بی‌خبر از غیری من بی‌خبر از خویش‌ام، زان خنده آیدم به کمالات دیگران/ کاندرا کمال خویش چو دیدم گریستم.

نویسنده کتاب «؛شرح جدید منظومه سبزواری» با اشاره به این‌که مرحوم عثمان یحیی یکی از نیکان و پاکان و برگزیدگان عصر است، گفت: او صحبتی در مرکز دائرةالمعارف اسلامی کرد که من یادم است، حجت‌الاسلام شیخ‌الاسلام گفت که این داستان چهار تا خاتم که دیده می‌شود، بالاخره معنای این چیست؟! یادم نمی‌رود، یک حالت هیجان به او دست داد و رنگش تغییر کرد و گفت: «؛لکل نبی وصی» معلوم شد که شیعه خالص است، اصلاً داستان همین‌گونه است، خیلی داستان مهمی نیست.

وی تأکید کرد: این چهار نوع خاتم ولایت دیده می‌شود، ولی وقتی ولایت را به عامه، خاصه، مطلقه و مقیده تقسیم می‌کنند، این‌ها هم یک خاتمی دارند، خیلی هم مسئله پیچیده‌ای نیست، اگر بگوئیم یک خاتم هست، یک ولایت است، دیگر چهار تا معلوم نمی‌شود، ولی اگر گفتیم به اعتبارات مختلف چهار نوع ولایت هست، هر کدام یک خاتمی پیدا می‌کند.

نویسنده کتاب «؛فوائد در عرفان و فلسفه و تصوف و تاریخ آن» تصریح کرد: فکر می‌کنم رکن اساسی تفکر آقامحمدرضا قمشهای همین داستان ولایت است و انصافاً رویاروی محی‌الدین ابن عربی می‌ایستد. شاید بعد از سیدحیدر آملی این دومین عارف است که علیه ابن عربی قیام کرده است، البته اینها که بیان شد اجمالی از اختلاف و مباحث ولایت است.

این محقق و مدرس در ادامه سخنانش تأکید کرد: در رساله «؛الخلافة الکبری» درصدد این است که ریشه خلافت آن دو نفر را بزند و با برهان قاطع این کار را انجام می‌دهد. می‌گوید آن اولی گفت: «؛اقیلونی اقیلونی فلسط بخیرکم و علی(ع) فیکم؛ من

بهترین فرد شما نیستیم در حالی که علی(ع) در میان شماست! یا راست گفت یا دروغ گفت. خارج از دو صورت نیست، یا راست گفت یا دروغ گفت و ما یکی اضافه کنیم که یا تواضع کرد، دیگر صورت چهارمی وجود ندارد.

وی افزود: اگر راست گفت خودش اقرار می‌کند که «لست بخیرکم؛ من بهترین شما نیستم» پس برای چی نشسته، اگر دروغ گفت، خلیفه که دروغ گو نمی‌شود، اگر تواضع کرد، جای تواضع نیست. خودش را برتر بداند و بعد تواضع کند و بگوید من برتر نیستم، جای تواضع نیست، در اینجا صحبت اخلاق نیست، صحبت سرنوشت امت و ملتی است. اینجا جای تواضع نیست، پس یا راست می‌گوید یا دروغ و به هر دو صورت خلیفه نیست.

نویسنده کتاب «صوفی صومعه قدس: یادواره مولانا میرزا محمدعلی حکیم شیرازی دارنده لطائف‌العرفان» تصریح کرد: اما دومی آن‌جا می‌گوید که امام(ع) نمی‌تواند شریعت نبوی را نسخ کند، نسخ تنها مخصوص خدا و پیغمبر(ص) است، مربوط به پیغمبر(ص) هم نیست، نسخ تنها مخصوص خدا است و خدا ناسخ شریعت است این‌که گفت «متعتان کانتا علی عهد رسول الله(ص) حلالاً وانا انهی عنهما و اعاقب علیهم؛ دو متعه در زمان رسول خدا(ص) حلال بود، من از آن‌ها نهی می‌کنم و انجام‌دهنده آن‌ها را مجازات می‌کنم» گفتند مگر شاعری بتوانی نسخ کنی؟ همین دلیل بطلان است و تو اصلاً مسلمان نیستی، چیزی که پیغمبر(ص) حلال کرده تو چگونه حرام می‌کنی؟!

صدوقی‌سها با اشاره به این‌که مطالب آقامحمدرضا قمشه‌ای در این باره به 100 کتاب می‌ارزد، اظهار کرد: آن‌جا انواع وحی را می‌گوید، منابع وحی را که پیغمبر(ص) از کجا می‌گیرد و نتیجه‌اش این می‌شود که حتی رسول خدا(ص) خودش به این معنا شارع نیست، شارع خداست، بعد غیر پیغمبر چگونه تواند تشریع کند؟ حرام را حلال کند و حلال را حرام کند، کدام يك از ائمه(ع) ما حلالی را حرام یا حرامی را حلال کردند؟ این کار اصلاً سابقه ندارد.

وی در ادامه سخنانش با اشاره به این‌که تعلیقات آقامحمدرضا در اسفار بسیار کم است، گفت: فکر می‌کنم مجموعه کامل‌تر آثار ایشان کار «بهرامی» و «حامد» باشد. آقا محمدرضا در مصباح حاشیه ندارد، يك رساله شرح حدیث زندیق داشتند. علی ثقفی پسر مرحوم ثقفی، در دبیرستان با من هم‌کلاسی بود من رفتم خدمت پدرشان. پدر او حاج میرزا ابوالفضل تهرانی شاگرد آقامحمدرضا بوده، بیان جالبی در مورد آقا محمدرضا دارد که شرح حدیث زندیق به خط آقای میرزا ابوالفضل بود، آن هم اگر کسی بتواند آنرا استخراج کند، کار خوبی است، نمی‌دانم کمیته آن را چاپ کرده یا نه، اما من آن نسخه خطی‌اش را دیده‌ام.

این محقق فلسفه و عرفان اسلامی اذعان کرد: مطالب دیگر آقامحمدرضا نوعاً حواشی کتب عرفانی است، چند رساله دیگر هم هست؛ به عنوان مثال رساله‌های فی موضوع العلم، شرح حدیث زندیق، رساله فی الجوهر و العرض علی طریق اهل‌الله، احتمالاً این هم طلیعه فصوص باشد، ولی بیشتر تألیفات همین کتب درسی است، حتی آن رساله برائت هم طلیعه فصوص است.

صدوقی‌سها تأکید کرد: آقامحمدرضا ردی هم بر مرحوم جلوه در حاشیه کتاب تمهید دارد. ظاهراً تعلیقه را آقامحمدرضا نوشته و مرحوم جلوه بر آن تعلیق کرده و او در موضوع وحدت وجود جواب داده است. شرح حدیث زندیق خود يك رساله است. مکاشفه‌ای هم واقع شده بعد از مرگش؛ در تمهید عبارتی بوده است، آقامحمدرضا ظاهراً می‌خوانده «او قلت»، آقا میرزا هاشم می‌خوانده «غفلت»، می‌گویند علامه حسن‌زاده آملی از مرحوم شازدل نقل کرده که بعد از مرگش دیدم و گفت آقای میرزا حق با شما بود، من آمدم اینجا متوجه شدم. مشو به مرگ ز امداد اهل دل نومید/ که خواب مردم هوشیار به ز بیداری است.